

کرونا و اقتصاد آموزش

سخنرانان:

دکتر سعید صالح (مدیرکل سازمان مدارس و مراکز غیر دولتی وزارت آموزش و پرورش)

موسی بیات (مدیر گروه آموزش و پرورش، فنی و حرفه ای دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ مرکز پژوهش های مجلس)

دکتر عطیه وحیدمنش (دکترای اقتصاد از دانشگاه ویرجینیاتک و مدرس دانشگاه تهران)

دبیر جلسه:

دکتر علی متوسلی (مدیر کل دفتر خدمات پژوهشی و عضو هیئت علمی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی)

۱۳۹۹/۰۷/۱۴

مطالب مندرج در این گزارش منحصرآ گفته های سخنرانان است و به هیچ وجه منعکس کننده نظر موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی نیست.



نشست "کرونا و اقتصاد آموزش" با سخنرانی آقایان دکتر سعید صالح (مدیرکل سازمان مدارس و مراکز غیر دولتی وزارت آموزش و پرورش)، موسی بیات (مدیر گروه آموزش و پرورش، فنی و حرفه ای دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ مرکز پژوهش های مجلس) و خانم دکتر عطیه وحیدمنش (دکترای اقتصاد از دانشگاه ویرجینیاتک و مدرس دانشگاه تهران) و با حضور جمعی از کارشناسان و علاقه‌مندان در تاریخ ۹۹/۰۷/۱۴ به صورت آنلاین برگزار گردید.

دکتر علی متوسلی

شیوع بیماری کرونا ما را تنها نگران سلامتی خود نکرده است بلکه بخش‌های زیادی از زندگی اقتصادی و اجتماعی ما را نیز تغییر داده است. یکی از بخش‌هایی که بسیار از این بیماری متاثر شده بخش آموزش است. آموزش از شکل سنتی و حضوری به آموزش غیرحضوری و آنلاین تبدیل شده است. در این خصوص سوالات مختلفی مطرح است. برای مثال، با تعطیلی آموزش حضوری چه تعداد از مراکز آموزشی تعطیل شده‌اند؟ و کسب‌وکارهای آموزشی و کمک‌آموزشی آنلاین چقدر ظهور و گسترش داشته‌اند؟ آیا عدم دسترسی به زیرساخت‌های لازم منجر به پیدایش حجم زیادی از بازماندگان از تحصیل شده است؟ در این قالب جدید آموزش، میزان و کیفیت یادگیری چگونه است و چه اثری بر سرمایه انسانی خواهد گذاشت؟ این نشست می‌کوشد تا به سوالاتی از این دست بپردازد.

دکتر سعید صالح

اشاعه ویروس کرونا بر مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ما سایه افکنده است. این رویداد را می‌توان زمینه‌ساز تحولاتی چون گذر از فردگرایی به جمع‌گرایی، گسترش روحیه ایثار و فداکاری در جامعه، گذر از ترس فردی به ترس جمعی، عبور از دغدغه‌های فردی به دغدغه‌های جمعی در میان مردم و افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه دانست که در نهایت آموزش اعضای جامعه را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

شیوع این بیماری باعث تعطیلی آموزش در ۱۹۰ کشور جهان و تحت تأثیر قرار گرفتن ۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفر از دانش‌آموزان شد که در نوع خود منحصر به فرد است و تاکنون جهان با چنین رویدادی مواجه نشده بود.

آمارهای ارائه شده از طرف سازمان یونسکو حاکی از آن است که کودکان فقیر جوامع در نتیجه عدم دسترسی به امکانات آموزشی تا ۵ برابر بیشتر از سایر کودکان از تحصیل و فرایندهای آموزشی باز خواهند ماند.

تعطیلی مدارس کشور موجب معضلاتی چون افزایش نابرابری‌ها، کاهش همبستگی اجتماعی و تعاملات بین فردی و افزایش میزان خشونت‌های خانوادگی خواهد شد. در ایران ۱۴/۵ میلیون نفر دانش‌آموز در بیش از ۱۰۷ هزار مدرسه تحصیل می‌کنند که سرانه آموزشی آن‌ها برابر با ۴ میلیون تومان است و به همراه خانواده‌هایشان متأثر از موضوع کرونا شده‌اند.

تبعات اقتصادی شیوع ویروس کرونا برای نظام آموزشی کشور بسیار زیاد است و هزینه‌هایی که برای تهیه تجهیزات الکترونیکی و تأمین اقلام بهداشتی به این نظام تحمیل شده، فراتر از بودجه در نظر گرفته شده است.

کاهش ۷۰ درصدی ثبت‌نام خانواده‌ها در مراکز پیش‌دبستانی به دلیل گسترش این ویروس موجب کاهش محسوس درآمدها شد و با توجه به ثابت ماندن تقریبی هزینه‌ها، این مراکز با زیان زیادی مواجه و به دنبال آن بسیاری از شاغلان این بخش بیکار شدند. تعطیلی یا کاهش فعالیت‌های آموزشی آموزشگاه‌های علمی آزاد، موسسات آموزش زبان و مجموعه‌هایی که به آنها وابسته هستند نیز امنیت شغلی افرادی که به صورت مستقیم در این مراکز اشتغال دارند را با خطر مواجه کرده است.

همزمانی شیوع کرونا و شرایط ناپایدار اقتصادی بر سرمایه‌گذاری در بخش آموزش غیردولتی اثر داشته و سرمایه‌گذاری در این حوزه را بسیار پرنریسک کرده است.

هزینه‌های تهیه تلفن همراه برای خانواده‌ها با توجه به تغییر قیمت دلار بسیار بالا است. این بیماری مدارس غیر دولتی و مسئله اشتغال را نیز با چالش جدی مواجه کرده است که در بعضی موارد با تعطیلی مدارس و عدم تمایل خانواده‌ها به صرف هزینه‌های زیاد برای آموزش آنلاین همراه بوده است.

در این دوران شاهد دریافت درخواست‌های فراوانی برای ایجاد مدارس مجازی بوده‌ایم که می‌تواند ما را به بازنگری در نوع آموزش و تغییر قالب‌های آن سوق دهد. شکل‌گیری آموزش‌های خارج از بستر رسمی و نهادهای دولتی نیز پدیده‌ای است که البته با گذر از این دوران و با برنامه‌ریزی می‌تواند به ارتقاء کیفیت آموزشی منجر شود.

آقای موسی بیات

جهش ساختاری که در سازمان آموزش و پرورش پس از اشاعه کرونا ایجاد شد و معطل نماندن آموزش در کشور نکته‌ای مثبت است. آنچه بیش از هر مسئله‌ای در آموزش مجازی برای ما حائز اهمیت است، موضوع عدالت آموزشی و بهبود کیفیت آموزش است. صاحب نظران در سراسر دنیا به دنبال بررسی این موضوع هستند که در شرایط شیوع کرونا چه تعداد از دانش‌آموزان و با چه کیفیتی به خدمات و آموزش الکترونیک دسترسی دارند و برای ارتقای آن چه کارهایی لازم است؟

در ایران سه و نیم تا چهار میلیون نفر به ابزار هوشمند دسترسی ندارند و بسیاری از نقاط کشور از دسترسی به اینترنت محروم هستند. همچنین بسیاری از دانش‌آموزان به صورت مشترک از یک ابزار هوشمند استفاده می‌کنند که این موضوع عدالت و کیفیت آموزش را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

اگرچه پیوند نهاد خانواده و نهاد تعلیم و تربیت می‌تواند نکته مثبت وضعیت ایجاد شده باشد، اما باید کاری کرد که تمام بار آموزش فرزندان به دوش خانواده‌ها نیفتد و آنها برای تأمین ابزارهای هوشمند و بسته‌های آموزشی مناسب در مضیقه نباشند.

موضوع هزینه بر بودن بسته‌های اینترنتی برای خانواده‌ها و اینکه تلویزیون قادر به پوشش تمام دروس برای دانش‌آموزان نیست، مسئله‌ای دیگر است که می‌تواند به بازماندگی از تحصیل منجر شود و باید به آن توجه کرد.

همچنین تبدیل شدن آموزش به گونه‌ای از خصوصی‌سازی و کالایی شدن، خطر آموزشی دوران معاصر است، به نحوی که آنهایی که توان مالی بهتری دارند، خلأهای آموزشی خود را پر خواهند کرد و خانواده‌های کم‌توان، با فقر آموزشی مواجه می‌شوند. بنابراین آموزش و پرورش مستعد طبقاتی شدن و افزایش نابرابری در جامعه است.

نکته دیگر آن است که نباید به سبب ارزان بودن آموزش مجازی، از اصل آموزش که در قالب حضوری است غافل شد و پس از پایان شیوع کرونا بایستی به همان آموزش حضوری برگشت. البته در مواردی مانند آلودگی هوا که امکان آموزش حضوری وجود ندارد می‌توان از آموزش مجازی بهره برد. همچنین شواهدی وجود ندارد که آموزش مجازی منجر به افزایش کیفیت آموزش شده است و با بررسی داده‌ها بایستی کیفیت آموزش در قالب مجازی بررسی شود.

اخیرا ایده مشارکت مردمی مطرح شده است که می‌گوید در دوران کرونایی از نهاد خانواده در امر آموزش مشارکت‌جویی شود که به نظر می‌رسد به یک شبه خصوصی‌سازی منجر می‌شود که بار بسیاری از هزینه‌های آموزش و پرورش را به دوش خانواده‌ها خواهد انداخت.

نکته دیگر آنکه بودجه تنظیم شده فعلی با فعالیتهای آموزش و پرورش در شرایط کرونایی همخوانی ندارد. برای مثال فعالیت سلامت و تغذیه دانش آموزان و سمینارها و کارگاههای حضوری، دیگر وجود ندارند و اعتبارات خوبی نیز برای آنها در بودجه دیده شده است. بنابراین باید در ردیف بودجه و اعتبارات جابجاییهایی انجام شود و بودجه فعالیتهای تعطیل شده به فعالیتهای جدید اختصاص یابد.

در پایان پیشنهاد می شود که با توجه به شرایطی که بوجود آمده است، آموزش و پرورش با ایجاد یک پلت فرم از ظرفیت بخش خصوصی برای مشارکت در آموزش استفاده کند. بدین ترتیب آموزش و پرورش بجای تصدی گری که امری پرهزینه هست بیشتر به حوزه نظارت آموزشی و تنظیم گری خواهد پرداخت که منجر به چابکی و کاهش هزینهها خواهد شد.

دکتر عطیه وحیدمنش

دکتر عطیه وحیدمنش

با شروع ویروس کرونا و تعطیلی مراکز آموزشی، بیشتر کشورها از جمله ایران، ترکیبی از آموزش مجازی، آموزش تلویزیونی و استفاده از بستههای آموزشی را در دستور کار خود قرار دادند. بنظر می رسد که در کشور ما با تغییر پارادایم آموزشی در کوتاه مدت و حتی میان مدت شکاف آموزشی افزایش خواهد یافت. البته قبل از شیوع کرونا نیز شاخص نابرابری آموزشی ایران بالا بوده است. پوشش آموزش در کشور از وضعیت خوبی برخوردار بوده اما در دستیابی به آموزش با کیفیت شرایط خوبی نداشته ایم و با پیدایش کرونا این وضعیت تشدید شده است.

طبق آمار اعلام شده توسط وزارت آموزش و پرورش ۳ تا ۴ میلیون دانش آموز دسترسی به تلفن هوشمند ندارند و برای تامین آن به بودجه ۴ تا ۶ هزار میلیارد تومان معادل حدود ۸ درصد بودجه کل آموزش و پرورش نیاز هست که بنظر می رسد تامین چنین بودجه ای از عهده آموزش و پرورش خارج باشد. از سوی دیگر طبق داده های بودجه خانوار سال ۹۸، میانگین هزینه کل ناخالص خانوار شهری ۴ میلیون تومان و خانوار روستایی ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان در ماه است که شامل هزینه های خوراکی، غیر خوراکی و کالاهای ماندگار می شود. اگر این داده را تقریبی از درآمد خانوار در نظر بگیریم و با توجه به شوک تورمی اخیر و تورم فزاینده در کالاهای اساسی مانند مواد غذایی و همچنین بالا رفتن قیمت ابزارهای هوشمند مانند تبلت و موبایل، واضح است که برای هزینه کرد در آموزش مجازی، برای خانوار پولی باقی نمی ماند. گرچه این هزینه ممکن است در خانوارهای در دهک درآمدی بالا ناچیز باشد و حتی از قبل لااقل یک ابزار هوشمند در اختیار دانش آموز بوده و نیازی به تهیه مجدد آن نباشد، اما در خانوارهای دهک درآمدی پایین و به ویژه هنگامی که بیش از یک نفر نیازمند تهیه ابزار هوشمند باشد، این هزینه بسیار چشمگیر است. همچنین طبق آمار بودجه خانوار سال ۹۸، دسترسی به اینترنت در خانوار روستایی ۳۲ درصد و در خانوار شهری ۵۸ درصد است که می تواند به دو بخش عدم پوشش اینترنت یا عدم دسترسی به ابزار الکترونیکی مربوط شود. با وجود آمار خوشحال کننده وزارت ارتباطات مبنی بر ضریب نفوذ ۹۰ درصدی اینترنت در کل کشور، متأسفانه آمار دسترسی به اینترنت بسیار پایین است و در این دوران که آموزش به سمت غیر حضوری حرکت می کند شکاف یادگیری و نابرابری آموزشی بیشتر خواهد شد. در نتیجه در کوتاه مدت و میان مدت کرونا وضعیت عدالت آموزشی را بدتر خواهد کرد.

به شیوع کرونا می توان به عنوان یک فرصت هم نگاه کرد. کرونا موجب شد که جامعه به سمت آموزش مجازی حرکت کند و بسترها و زیرساخت های لازم برای این کار را به تدریج فراهم کند. این موضوع فرصتی را برای ایران پسا کرونا فراهم خواهد کرد که با تجهیز مدارس به ابزارها و امکانات الکترونیکی و هوشمند به خصوص در مناطق کم بهره، دانش آموزان بتوانند در کنار

آموزشی که به صورت حضوری دریافت می‌کنند به آموزش‌های با کیفیت بالاتر دسترسی داشته باشند. بنابراین به این رویداد می‌توان به عنوان فرصتی برای برابرسازی وضعیت آموزشی در بلندمدت نگاه کرد.

نکته دیگر آن است که عدم تولید داده‌ها و یا عدم دسترسی به داده‌های ارزشمند موجود در وزارت آموزش و پرورش سبب شده است که محققان از پژوهش در این حوزه باز بمانند و نتوانند پیشنهادهای سیاستی شاهدمحور برای کمک به سیاست‌گذاری درست را در اختیار تصمیم‌گیران قرار دهند. بررسی آمار آزمون‌های بین‌المللی کیفیت آموزش نشان می‌دهد تقریباً از هر سه دانش‌آموز در مقطع ابتدایی یک دانش‌آموز، حداقل مهارت‌های مورد نیاز مانند خواندن و نوشتن را کسب نکرده است و کیفیت آموزش در ایران بسیار پایین است. بنظر می‌رسد که یکی از بزرگترین چالش‌های آموزش، بحث کیفیت آموزش است و اگر کیفیت آموزشی افزایش یابد خودبخود بخش بزرگی از شکاف آموزشی کاسته خواهد شد و بخشی از مشکل عدالت آموزشی حل خواهد شد. نکته دیگر آن که کیفیت آموزش‌های مجازی تابعی از توانایی معلم است و ممکن است به دلیل عدم آموزش مناسب برای تدریس مجازی معلمان، کیفیت آموزش‌های مجازی پایین آمده و در نهایت منجر به کاهش سطح کیفیت آموزشی شود. همچنین مشکلات محیطی موجود در آموزش مجازی مانند عدم تمرکز دانش‌آموز در محیط خانه حین آموزش، می‌تواند موجب کاهش سطح کیفیت آموزشی شود.